



وفاق اجتماعی سنگ بنای تمدن اسلامی

سیدعبدالمجید پیش‌بین اشکوری - محسن مومنی

می‌شود که بر ایدئولوژی و جهان‌بینی صحیح مبتنی باشد. برای اثبات این مطلب باید رفتارهای انسان را مورد ملاحظه قرار دهیم. رفتارهای انسان از یک دیدگاه به تعبیر شهید مطهری به دوگونه تقسیم می‌شوند:

الف) رفتارهای التذادی

رفتارهای التذادی آن دسته از رفتارهایی هستند که تابع میل و غرایز انجام می‌گیرند، و شکل‌های خاص آن را اگرچه با پیچیدگی‌های فراوان هم همراه باشند غرایز و تمایلات تعیین می‌کنند. در این نوع فعالیت، انسان خود فعل را می‌خواهد؛ یعنی خود فعل لذت‌بخش و ارضاکنده یکی از قوای شهویه یا غضبیه مانند تغذیه و اعمال جنسی است. این‌گونه افعال خودشان مطلوب و مقصودند که تمایلات و غرایز انسان را به خود جذب می‌کنند؛ مانند گرایش که خود به خود از دیدن یک منظره زیبا یا شنیدن آواز خوش و یا استشمام بوی مطبوع در انسان پیدا می‌شود که به محض روبه‌روشدن و انعکاس ذهنی این امور جذب و انجذاب پیدا می‌شود. در حکومت تمایلات و غرایز، محرکات غریزی انسان را به سوی عمل برمی‌انگیزاند.

اهدافی که انسان‌ها پی می‌گیرند، به دو شیوه دست‌یافتنی هستند:

۱. رفتار انفرادی ۲. رفتار جمعی. برای نمونه، یکی از آثار روزه گرفتن، تقویت اراده در برابر فرمان‌های قوه شهویه است؛ اگر فردی روزه بگیرد به این هدف می‌رسد، هر چند دیگران روزه نگیرند؛ اما نظم ترافیکی به صورت یک هدف، تنها در سایه حرکت جمعی به دست می‌آید؛ بنابراین اگر همه افرادی که در یک مسیر حرکت می‌کنند، قواعد راهنمایی و رانندگی را رعایت کنند، نظم ترافیکی حاصل می‌شود، اما چنان‌چه حتی چند نفر قوانین را رعایت نکنند و باعث آشفتگی ترافیکی شوند، همه در ترافیک گرفتار می‌شوند؛ بنابراین، ایجاد نظم ترافیکی نتیجه حرکت جمعی است. بسیاری از امور اجتماعی این‌گونه‌اند؛ همانند آرمان‌های فطری انسانی که دستیابی به آن‌ها در گروه حرکت جمعی است. برای شکل‌گیری این حرکت جمعی به عناصری نیاز است که عبارتند از:

۱. رفتارهای تدبیری مبتنی بر ایدئولوژی و جهان‌بینی صحیح

زندگی انسان چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی هنگامی دارای ویژگی «انسانی» و زمینه‌ساز «تمدن اسلامی» و تحقق آرمان‌های فطری



این که شکل‌گیری تمدن اسلامی و رسیدن به اهداف عالی بشری نیازمند حرکت جمعی است و تا حرکت جمعی و وفاق اجتماعی شکل نگیرد، اهداف و آرمان‌های انقلاب به صورت کامل و فراگیر تحقق نخواهند یافت. دوم این که تا رسیدن به این قله، فاصله بسیاری وجود دارد. سوم این که یگانه‌راه نجات بشر، برپایی تمدن اسلام ناب است که انقلاب اسلامی با اتکا به نیروهای همراه خود توانسته است در این مسیر گام‌های بسیار بزرگی برداشته، زمینه‌های تحول بزرگ جهانی را فراهم کند که همواره شاهد موفقیت‌های روزافزون آن هستیم. با توجه به این واقعیت‌هاست که حضرت امام علیه السلام در بند ۲ وصیت‌نامه‌شان با ملاحظه نقش وفاق ملی و اسلامی و جهانی در حوزه تمدن‌سازی و تحقق آرمان‌های فطری می‌فرمایند:

اسلام و حکومت اسلامی پدیده‌ی الهی است که با به کار بستن آن، سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاولگری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند، مکتبی است که برخلاف مکتب‌های

۲. وفاق ملی: وفاق و همبستگی ملی و یا وفاق و همبستگی امت اسلامی، به مفهوم اشتراک نظر همه‌ی افراد یک جامعه، ملت و یا امت نسبت به آرمان‌های واحد است که برای دستیابی به آن‌ها، تمام گروه‌های کوچک قومی، مذهبی، منطقه‌ای و محلی در ظرفی بزرگ‌تر به نام ملت و یا حتی فراتر، به نام جامعه جهانی، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و به صورت مجموعه واحد تلاش می‌کنند بنابراین مجموعه همه واحدها و اجزای جامعه در یک کل جامع و به صورت یک جامعه بزرگ و با عنوان ملت، یا امت، یا جامعه جهانی تبلور می‌یابند. شکل‌گیری این وفاق گسترده، تدریجی است که ابتدا به صورت یک اقلیت شکل‌گیری می‌شود و با فعالیت بسیار شدید و گسترده و زحمات بسیار، و با اقتناع افکار عمومی و همراه کردن آنان با خود در سطح یک ملت و امت و یا جامعه جهانی تبلور می‌یابد. بنابراین می‌توان مسیر حداکثرسازی را این‌گونه ترسیم کرد: خودسازی، دیگرسازی، شکل‌گیری جامعه اقلیت (جامعه‌سازی)، نظام‌سازی، ساختارسازی، امت‌سازی و تمدن‌سازی.

البته وحدت و همبستگی مراتب مختلفی دارد؛ پایین‌ترین مرتبه‌اش زندگی مسالمت‌آمیز در جامعه است که در آن انواع عوامل آسیب‌زا و تهدید وجود دارد ولی به صورت خطرناک درنیامده است. در این جوامع، وحدت حداقلی حاکم است و بالاترین سطح وفاق اجتماعی که سرمایه اجتماعی بسیار بالایی را برای تحقق اهداف و کنارزدن موانع و دفع دشمنی‌ها فراهم می‌کند، وحدت کامل است، که به معنای درهم آمیختگی افراد جامعه، هماهنگی کامل و همدلی همه یا اکثریت قریب به اتفاق جامعه است به گونه‌ای که همه احاد جامعه در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، دینی و ... احساس هماهنگی، همدلی، همکاری و مسؤولیت کنند و تلاش خود را در این مسیر به کار گیرند. این همان جامعه آرمانی است که رسیدن به تمدن اسلامی و تحقق آرمان‌های بشری را آسان می‌کند؛ اما واقعیت این است که تا رسیدن به این قله فاصله بسیار زیادی وجود دارد.

بنابراین، انقلاب اسلامی برای رسیدن به اهداف خود با چند واقعیت روبه‌روست؛ اول

ب) رفتارهای تدبیری

در رفتارهای تدبیری، خود فعل، لذت‌بخش و مقصود اصلی نیست بلکه چه‌بسا با رنج و دشواری نیز همراه باشد، ولی انسان آن را برای رسیدن به یک کمال یا مقصود نهایی انجام می‌دهد و یا ترک می‌کند. برای نمونه، سلامتی برای انسان کمال است و بیماری نقصان، اما فرد مبتلا به بیماری دیابت به‌رغم تمایل به مصرف شیرینی‌جات، این کار را برای رسیدن به یک کمال که همانا سلامتی است ترک می‌کند و چه‌بسا داروهای تلخی را هم مصرف می‌کند.

رفتارهای تدبیری به سه عنصر نیازمندند:

۱. عقل ۲. علم ۳. اراده

در حکومت عقل و علم و اراده هرچند محرکات غریزی، انسان را به سوی عمل برمی‌انگیزد ولی این فرصت و آزادی برای او باقی است که به تأمل و محاسبه و سپس ترجیح جانب فعل یا ترک بپردازد؛ یعنی در حکومت عقل، استبداد محرکات غریزی از بین رفته و جای آن را حکومت اکثریت که به سنجش و موازنه و محاسبه کمال‌خواهی مقرون است گرفته، انسان این آزادی کامل را در پرتو نیروی عقل و علم و اراده یافته است.

براین اساس، انسان دارای غرایز است ولی زندگی جامعه انسانی نمی‌تواند تنها براساس این غرایز اداره شود، بلکه رفتارهای تدبیری نقش عمده را ایفا می‌کنند؛ البته ممکن است جامعه انسانی به حکم اختیاری که دارد از رهنمودهای عقل و علم صرف‌نظر کرده، اراده خود را تابع غرایز و تمایلات حیوانی قرار دهد؛ در این صورت زندگی او حیوانی و حتی بدتر از آن خواهد شد و جامعه انسانی رو به سقوط خواهد رفت، و تمدنی که بر این اساس شکل بگیرد، نمی‌تواند جامعه را به اهدافش برساند. برای تحقق جامعه انسانی به بینش صحیح (هستی‌شناسی صحیح)، نگرش صحیح (نگاه صحیح به امور جزئی و تناسب‌سازی آن با هستی‌شناسی)، ایدئولوژی صحیح (پایدها و نیایدها) و انگیزه صحیح نیاز است. براین اساس جامعه انسانی برای رسیدن به تمدنی که در بستر آن آرمان‌هایش تحقق یابد، به رفتارهای تدبیری مبتنی بر بینش، نگرش و انگیزه صحیح نیاز دارد.



یگانه‌راه نجات بشر،
برپایی تمدن اسلام ناب
است که انقلاب اسلامی
با اتکا به نیروهای
همراه خود توانسته
است در این مسیر
گام‌های بسیار بزرگی
برداشته، زمینه‌های
تحول بزرگ جهانی را
فراهم کند که همواره
شاهد موفقیت‌های
روزافزون آن هستیم.

یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی مشارکت نمایند و دست
ابرقدرت‌های عالم‌خوار و جنایت‌کاران تاریخ را تا ابد از سر
مظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند...

بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی
است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در
تاریخ خواهد خواند که دو رکن اصلی آن انگیزه الهی و
مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر
کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد است.

نتیجه‌این که:

تحقق آرمان‌های والای انسانی و شکل‌گیری تمدن
اسلامی منوط به حرکت جمعی جامعه انسانی است که
انقلاب اسلامی زمینه‌های این حرکت جمعی را در دوران
کنونی فراهم کرده است و روز به روز در حال گسترش
می‌باشد، امید است که این جامعه متدین و خودباور با
عمل به آموزه‌های سوره مبارک عصر «وَ الْعَصْرَ إِنَّ
الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ
تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» و با عزم و اراده پولادین
و روحیه جهادی و ایثارگری و در پرتو عنایت‌های الهی
و امدادهای غیبی‌اش بتواند ضمن همراه کردن جامعه
بشری با خود برای شکل‌گیری حکومت مهدوی،
بسترسازی و تمدن اسلامی را پایه‌ریزی کند.

پی‌نوشت‌ها:
۱. سوره عصر.

غیرتوحیدی در تمام شؤون فردی و اجتماعی، مادی و
معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت
و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت
انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد
فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را
در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آن کوشیده است،
اینک که به توفیق و تأیید خداوند جمهوری اسلامی
با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده و آن چه در
این حکومت اسلامی مطرح است، اسلام و احکام مترقی
آن است، بر ملت عظیم‌الشان ایران است که در تحقق
محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند،
که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیای
عظام از آدم (علیه‌السلام) تا خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)
در راه آن کوشش و فداکاری جان‌فرسا نموده‌اند و هیچ
مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشتند و همچنین
پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام (علیهم‌صلوات‌الله)
با کوشش‌های توان‌فرسا تا حد ایثار خون خود در حفظ
آن کوشیده‌اند، و امروز بر ملت ایران خصوصاً و بر جمیع
مسلمانان عموماً واجب است این امانت الهی را که در
ایران به‌طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج
عظیمی به بار آورده با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد
مقتضیات بقای آن و دفع موانع و مشکلات آن کوشش
نمایند و امید است که پرتو نور آن بر تمام کشورهای
اسلامی تابیدن گرفته و تمام دولت‌ها و ملت‌ها با